





دانشگاه آزاد اسلامی
واحد پزشکی تهران

پایان نامه :

جهت دریافت دکترای پزشکی

موضوع :

بررسی سلامت عمومی در کارگران کارخانه رنگ توسط پرسشنامه GHQ

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر مریم وحدت شریعت پناهی

نگارش:

زینب زمانی فروشانی

شماره پایان نامه : ۴۶۰۰

سال تحصیلی : ۱۳۸۹



Islamic Azad University

College of Medicine

Thesis:

For Doctorate of Medicine

Subject:

Evaluation of general health status in workers of color factory

by GHQ questionnaire

Thesis Adviser:

Dr. Maryam Vahdat-Shariatpanahi

Written by:

Zeynab Zamani-Farooshani

Year : 2010

No. 4600

این پایان نامه:

هدیه ایست ناچیز پیشکش به پدر و مادر عزیزم که در غم ها و

شادی های زندگی ام بزرگوارانه با من همراه بوده اند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده فارسی
۲	مقدمه و بیان اهمیت مسأله
۴	بررسی متون
۲۸	روش مطالعه
۳۱	یافته ها
۴۸	بحث و نتیجه گیری
۵۲	فهرست منابع
۵۴	چکیده انگلیسی

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۳۲	جدول ۱- توزیع فراوانی سنی کارگران
۳۳	جدول ۲- توزیع فراوانی سطح تحصیلات کارگران
۳۴	جدول ۳- توزیع فراوانی وضعیت تأهل کارگران
۳۵	جدول ۴- توزیع فراوانی سطح سلامت عمومی
۳۶	جدول ۵- توزیع فراوانی سلامت جسمی در کارگران
۳۷	جدول ۶- توزیع فراوانی اضطراب در کارگران
۳۸	جدول ۷- توزیع فراوانی اختلال در عملکرد اجتماعی در کارگران
۳۹	جدول ۸- توزیع فراوانی افسردگی در کارگران

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۴۰	نمودار ۱- توزیع فراوانی سنی کارگران
۴۱	نمودار ۲- توزیع فراوانی سطح تحصیلات کارگران
۴۲	نمودار ۳- توزیع فراوانی وضعیت تأهل کارگران
۴۳	نمودار ۴- توزیع فراوانی سطح سلامت عمومی
۴۴	نمودار ۵- توزیع فراوانی سلامت جسمی در کارگران
۴۵	نمودار ۶- توزیع فراوانی اضطراب در کارگران
۴۶	نمودار ۷- توزیع فراوانی اختلال در عملکرد اجتماعی در کارگران
۴۷	نمودار ۸- توزیع فراوانی افسردگی در کارگران

بررسی سلامت عمومی در کارگران کارخانه رنگ توسط پرسشنامه GHQ

دانشجو: زینب زمانی فروشانی استاد راهنما: سرکار خانم دکتر مریم وحدت شریعت پناهی

تاریخ دفاع: شماره پایان نامه: ۴۶۰۰ کد شناسایی پایان نامه: ۱۳۶۱۰۱۰۱۸۷۱۰۳۹

هدف: این مطالعه به منظور بررسی سلامت عمومی در کارگران کارخانه رنگ توسط پرسشنامه GHQ انجام شده است.

روش مطالعه: این مطالعه به صورت یک کوهورت گذشته نگر انجام شده است. حجم نمونه مورد بررسی شامل ۹۶ کارگر مذکر ۳۵ تا ۴۵ ساله شاغل به کار در کارخانجات رنگ سازی در سطح استان تهران از اسفند ۸۷ لغایت خرداد ۸۹ بود که ۴۸ نفر از آنها در معرض تماس با رنگ بودند و ۴۸ نفر در همان کارخانه بودند؛ ولی تماسی با رنگ نداشتند.

یافته ها: تماس با رنگ سبب کاهش معناداری در سلامت عمومی افراد در کل و نیز در جنبه های مختلف آن شامل سلامت جسمی، افسردگی، اضطراب و عملکرد اجتماعی گردید ($P < 0.05$) که البته این تأثیر مستقل از اثر فاکتورهایی مانند سن، جنسیت، وضعیت تأهل و سطح تحصیلات افراد بود.

نتیجه گیری: در مجموع بر اساس نتایج حاصله چنین استنباط می شود که تماس مداوم با رنگ به ویژه در کارگران کارخانجات رنگ سازی می تواند سبب کاهش سطح سلامت جسمی و روانی افراد گردد.

فصل اول

مقدمه و بررسی متون

بیان مسئله:

کارگران به دلیل شغل و محیط کاری که دارند در معرض آلودگی های شغلی و محیطی متعددی قرار دارند و بدیهی است که کاهش این آلودگی ها از جمله آلودگی های محیطی مانند تماس با مواد آسیب زا که یکی از معضلات مهم در بسیاری از کارخانه ها هستند، یک اصل ضروری است و از پیامدهای ناخوشایند روحی، روانی و جسمانی در آنها جلوگیری خواهد کرد و باعث ارتقای کیفیت کار آنها و نیز افزایش بهره وری کارگران خواهد شد.

رنگ نیز از جمله مواد شیمیایی موجود در بسیاری از کارخانجات بویژه کارخانجات رنگ سازی محسوب می شود. خصوصیات سرطانزایی برخی از مواد موجود در رنگ و از سوی دیگر تحریک موضعی پوستی و استنشاقی ناشی از انتشار رنگ از جمله مواردی هستند که می توانند با بر هم زدن شرایط روحی و جسمی کارگران، سبب ایجاد یا افزایش استرس و اضطراب در آنها شوند و این امر با کاهش بهره وری و کارایی افراد و لذا ضرر و زیان اقتصادی برای کارخانجات رنگ سازی و در ادامه کل سیستم اقتصادی کشور همراه خواهد شد. لذا پیشگیری و کاهش عوارض ناشی از کار و تماس با رنگ در کارخانجات حائز اهمیت به سزایی است. اما این مسأله نیازمند شناخت دقیق و مناسب از عوارض ناشی از تماس با رنگ و پیامدهای آن می باشد. به همین دلیل ما نیز در این مطالعه به بررسی سلامت عمومی در کارگران کارخانه رنگ توسط پرسشنامه GHQ پرداختیم.

بررسی متون (منبع ۱):

فعالیت‌های موثر در سلامت کارکنان فقط محدود به اقدامات کنترل زیان آور ناشی از کار وایمنی آن نمی شود ، به عبارتی محدوده سلامتی گسترده تر از این اقدامات کنترل عوامل زیان آور ناشی از کار وایمنی آن نمی شود، لذا فعالیت‌های ایمنی و بهداشت در محیط کار می تواند به طورت سنتی بر روی مشکلات فرد در متمرکز باشد ، اما توجه به این نکته ضروری است که شیوه های کارزندگی مربوط به سلامت وایمنی افراد اساسا با گستره فعالیت آنها و ارزشهای شخصی واجتماعی آنها در کشور ارتباط دارد.

به عبارت دیگر کار سالم فقط افراد خاص را با پیام هایی درباره سالم کارکردن در کشور هدف قرار نمی دهد، بلکه می خواهد یاد آوری کند که به عاداتی که در محیط های کار زندگی در کشور وجود دارد توجه شود که محل زندگی، محیط زیست، سیاست های اجتماعی، سبکهای مدیریتی و همگی بر فرصتهای سالم کار و زندگی کردن افراد در کشور تاثیر می گذارند.

لذا برای درك بهتر موضوع لازم است که ابتدا در کشور تعاریف و مفاهیم را روشن کنیم:

کار در فرهنگ لغت کشور چنین تعریف شده است : شغلی که فرد از طریق آن در کشور امرار معاش می کند . همچنین در کشور به عنوان زحمت، جد و جهد و تمرین و مشقت مطرح می گردد

ومحل کار جایی است که کار در آنجا اتفاق می افتد و ممکن است در مکانهای مختلفی انجام شود اما به نظر می رسد احتمالا کار همواره با تلاش همراه باشد.

اما در این مورد گسترش فن آوریهای نو موجب استفاده از ارتباطات تلفنی و اوقات کاری متغیر و کار در خانه تلقی شده که تقاضا و انتظارات جدیدی را در بازار کار ظاهر کرده است. به عبارتی انواع جدیدی از کار در حال شکل گیری است. بدین معنی که مفهوم کار در کشور در حال تغییر است.

همچنین امروزه همه ما می دانیم سلامتی چیزی بیشتر از نداشتن بیماری است و در عوض تندرستی به عنوان احساس خوشایند داشتن تعریف می شود. لذا سلامتی می تواند علاوه بر اشاره به جنبه های جسمی، به جنبه های ذهنی، احساسی، اجتماعی، معنوی یا روحی نیز اشاره کند که هیچ کس نمی تواند احساس تندرستی کند مگر این که جامعه نیازهای اساسی او را برآورده سازد و مردم را از سر خوردگی و تبعیض نژادی، جنسیتی و عقیدتی حفظ کند. رابطه بین شخص و محیط اطراف ایجاب می کند که سلامتی هرگز مستقل از شرایط کار و زندگی افراد در نظر گرفته نشود. کار سالم می تواند شامل هر چیزی باشد که هدف آن توانمند کردن افراد برای داشتن احساس خوب از کار و یا تاثیر بر آن باشد، بنابراین تعداد زیادی از عوامل در محیط کار می توانند به عنوان عوامل موثر در کشور مطرح شوند. لذا کار سالم تلاشهایی است که در تمام موقعیتهای که افراد در آنجا کار می کنند برای افزایش نشاط و سلامتی آنان، خانواده هایشان و جامعه طراحی و اجرا می شود.

استرس شغلی

در کشورهای صنعتی نظیر کشورهای اروپایی استرس های محیط کار بر بیش از يك سوم کارگران اثر می گذارد. در بسیاری از کشورهای دنیا مشکلات ناشی از عدم بهداشت روانی در

حال افزایش است بطوریکه از هر ۱۰ کارگر يك نفر از مشکلاتی نظیر افسردگی ، اضطراب ، استرس های ناشی از خستگی و خشونت رنج می برد که در نهایت ممکن است به بیکاری و بستری شدن فرد منجر شود.

آمار نشانگر این است که مساله رو به رشد در تمام محیط های کاری مشکل حفظ سلامت روانی کارگران است. در حقیقت عصر تکنولوژی جدید ، افزایش خطرات فیزیکی و فشارهای اجتماعی فزاینده ناشی از صنعتی شدن ، تهدیدی برای بهداشت روانی فرد در دوران کاری اش می باشد .

امروزه استرسهای روانی منجر به درجات مختلفی از اضطراب و هیجان در محیط های کاری می شود .چنین استرسهایی به عنوان عامل اصلی گریز از کار و راندمان پائین کارگران شناخته شده اند. مطالعات مختلف ثابت کرده است که ۲۰ تا ۴۰ % کسانی که با چنین مشکلاتی روبرو هستند به طور مداوم به پزشکان عمومی و یا کلینیک های تخصصی پزشکان طب کار مراجعه می کنند.

بهداشت روانی

اغلب، عدم آسفتگی در ذهن و روح و روان فرد را معادل با بهداشت روانی دانسته اند اما بهداشت روانی چیزی بیش از این تعریف می باشد. در واقع بهداشت روانی، سلامتی روانی و اجتماعی فرد مطابق با فرهنگ محیط و جامعه می باشد. بهداشت روانی یا فقدان آن، حالتی فراگیر است که در محیط های کاری و یا خارج از آن وجود دارد . با توجه به وجود استرس و استرینهای مختلفی که سبب تهدید و به مخاطره افتادن بهداشت روانی فرد در محیط کار می گردد و با توجه به

زمان زیادی که کارگر در محیط کار می گذراند توجه ویژه به مساله بهداشت روانی بسیار حائز اهمیت است .

سرعت و فشار در قرن ۲۱ واژه هایی کلیدی می باشند. بسیاری از مردم و بویژه کارگران احساس می کنند که سوار بر يك نوع دستگاه ترد میل هستند و فرار از روی آن امکان پذیر نیست. همه چیز با سرعت و شدت در حال انجام است و هیچ فرصتی برای توقف فرد و لحظه ای تفکر در تنهایی وجود ندارد و به این ترتیب کاملاً قابل درك است که این شکل زندگی و چنین فشارهایی سبب اضطراب و مشکلات فراوان روحی و جسمی برای فرد خواهد شد.

بهداشت روانی جوابگوی سوالات مشکلی از قبیل اینکه علت وجود انسان و جهان چیست می باشد . بهداشت روانی دارای سطوح مختلفی است از آسوده زندگی کردن فرد به تنهایی و در کنار دیگران تا رسیدن به تکامل از طریق خودشناسی . فرد قوی می تواند مشکلات را بدون اینکه باعث ناراحتی او شوند حل کند به علاوه در زمان مواجهه با مشکلات قادر است بدنبال کمک باشد.

چرا صحبت کردن در رابطه با بهداشت روانی مهم است ؟

امروزه در کشور ایران بسیاری از مشکلات روانی ناشناخته باقی مانده اند. خصوصاً با رشد منفی اقتصاد بنظر می رسد برنامه های بهداشت روانی و شغلی به عنوان آخرین نیاز در فهرست نیازمندیهای کشورها ثبت می شود. در ضمن ما نمی توانیم نسبت به ایجاد برنامه هایی با آینده نامطمئن اجتماعی و اقتصادی بی تفاوت باشیم.

این سوال وجود دارد که آیا در کشورهای در حال توسعه ای نظیر ایران جایی برای برنامه های بهداشت روانی و شغلی وجود دارد یا خیر؟ و این برنامه ها باید به چه صورت و در چه راستایی باشد؟

دستیابی به بهداشت روانی و شغلی نیازمند سطح پیشرفته ای از مدرنیسم است . این مساله با توجه به واقعیت های اقتصادی و اجتماعی کشور فیلیپین کاملاً قابل توجه است . يك کارگر معمولی (منظور از کارگر مدیر و سرپرست هم می باشد) به طور متوسط ۶۰ % از ساعات بیداری خود را در محل کار می گذارند. فاکتورهای استرس در محیط کار شامل تهدید اذیت و آزار، فشار جمعیت کاری، شرایط بد کاری، ناسازگاری بین افراد، خشونت، تبعیض، ترس از اخراج، مهم بودن شرایط کار، کار خیلی کم و کار خیلی زیاد و سهم نبودن در تصمیم گیری ها می باشد. در مجموع فاکتورهای روانی اجتماعی مهم می توانند به ۵ گروه عمده تقسیم شوند که عبارتند از:

۱- محیط فیزیکی کار

۲- ماهیت خود شغل

۳- زمان کار

۴- نقش کارگران

۵- تکنولوژی و صنایع جدید

ممکن است این شرایط به تنهایی یا در مجموع ، اثرات ویژه ای روی فرد داشته باشد و منجر به ایجاد مشکلاتی نظیر اختلالات حافظه ، پرخاشگری ، اضطراب و یا اختلال در خواب شود و ممکن است مشکلات رفتاری در هنگام کار نظیر ارائه کار ضعیف ، کار گریزی، اعتیاد به الکل و دارو رخ بدهد و همچنین مشکلات دیگری از قبیل بیماریهای مزمن جسمی نظیر : فشار خون بالا ، بیماریهای مزمن جسمی - روانی و حوادث در محیط کار نیز ممکن است رخ دهد و در نهایت ممکن است به بستری شدن فرد در بیمارستانهای روان پزشکی منجر شود.

در این حالات باید توجه شود که استرس به عنوان يك عامل اصلی مطرح است اما عوامل مهم دیگر نیز نظیر ژنتیک ، شخصیت فرد و سیستم های حمایتی از اشخاص نیز مطرح می باشد.

اهمیت صحبت در مورد شیوع اختلالات روانی اجتماعی در محیط کار

در يك مجموعه کاری اختلالات روانی به دو گروه عمده تقسیم می شوند :

(۱) مشکلاتی که در بین همه مردم وجود دارد .

(۲) مشکلاتی که خاص محیط های صنعتی و کاری می باشد و مطالعات مختلف بیانگر این

است که ۳۰% از جمعیت کشور دچار این اختلالات می باشند.

اغلب کارگران مشکلات روانی خود را از پزشك یا سرپرست خود مخفی می کنند . دلیل این

مساله ترس از بدنامی است. به هر حال ما می دانیم که يك ارتباط واقعی بین بیماریهای جسمی و روانی وجود دارد.

پژوهشی که در انگلستان انجام شده نشان داده است که درمان نیمی از بیماریهای روانی بیش

از ۱۲ ماه به طول می انجامد. بیماریهای روانی خفیف نیز از جهت اینکه مانعی برای تولید و عامل

غیبت کارگر محسوب می شود می تواند خسارت بار باشد .

بیماریهای روانی اجتماعی ناشی از شغل عبارتند از :

- اضطراب شدید
- افسردگی
- جنون
- مشکلات روانی حاد ناشی از استرسهای محیطی نظیر تماس با عوامل خطر
- آفرین محیط کار مثل منوکسیدکربن و سرب
- اختلالات روانی ناشی از جراحات سر
- علائم بیماریهای مغزی در نتیجه تماس با مواد الی نظیر تولوئن ، استایرن و سرب
- خشونت
- حوادث
- مسمومیت

از اینرو نیاز به برقراری برنامه های بهداشت روانی با توجه به گسترش تکنولوژیهای جدید

در بخش صنعت کاملاً قابل درک است. تکنولوژی تولیدات انبوه ، تکنولوژی اتمی و نوآوریهای تازه

در بخش صنعت همواره باعث وارد شدن انواع استرس‌های روانی به کارگران می‌شود. بخصوص این مساله در کشورهای پیشرفته و صنعتی کاملاً مشهود است.

چرا به برنامه های بهداشت روانی و شغلی نیازمندیم؟

در کشورهای در حال توسعه ای نظیر فیلیپین شعار ارزش يك اونس پیشگیری معادل يك پوند درمان است، می‌تواند يك شعار راهنمایی کننده باشد. مطالعات نشانگر این مطلب است که بذر بیماری که توسط تکنولوژیهای جدید پاشیده شده در حال جوانه زدن است.

مطالعاتی که بر روی شیفت های کاری انجام شده بیانگر این مساله است که شیفت های کاری مختلف سبب بوجود آمدن اختلالاتی در خواب و خواب آلودگی فرد در حین کار خواهد شد و سبب هجوم خستگی به علت فقدان استراحت می‌شود. کم بودن انگیزه و هراس از خطرات کار در شب ممکن است سبب ایجاد بیماری توهم در فرد شود و در نهایت منجر به وخامت حال فرد چه از نظر جسمی و چه از نظر سلامت روانی شود.

دلیل دیگر نیاز به برنامه بهداشت روانی و شغلی این حقیقت است که نرخ بیکاری در حال حاضر حدود ۱۰/۶٪ و نرخ افراد نیمه بیکار حدود ۱۶٪ است. ادامه افزایش روند بیکاری نقش مهمی در افزایش فشارهای روحی روانی دارد. در حقیقت مطالعات بیانگر این مطلب است که وضعیت سلامت خانواده شخص بیکار در طول دوره بیکاری رو به وخامت می‌رود و مساله بیکاری نه تنها بر روی نان آور خانواده بلکه بر روی همسر و فرزندان فرد هم اثر می‌گذارد. در

کشور فیلیپین سیستم های حمایتی به عنوان يك عامل حفاظتی جهت کاستن از فشار بر روی افراد مطرح است . اما این عامل تا چه اندازه و چه مدت موثر است؟

امروزه ما اطلاعات بسیار کمی از میزان توقف تولیدات در نتیجه استرسهای روانی کارگران داریم. این مساله برای محیط هایی که بیماری روانی بصورت فراگیر در می آید و یا در محیط هایی که مرگ و میر یا انواع معلولیتها و ناتوانیها در اثر تماس با مواد شیمیایی رخ می دهد صادق است . این مسائل سبب بوجود آمدن اضطراب شدید در کارگران و تردید آنها برای بازگشت به کار خواهد شد.

محدودیت ها

نیازی به توجیه ضرورت بهداشت فردی چه از نظر جسمی و چه از نظر روحی نمی باشد اما در سطح يك مجموعه ضرورت برقراری برنامه های بهداشت روانی با توجه به کمبودهای اقتصادی جای سوال زیادی دارد. هر برنامه ای نیاز به امکانات مالی دارد اما خوشبختانه در نهایت برنامه های بهداشت روانی امروزه به عنوان يك واقعیت در محیط های کاری پذیرفته شده است.

به هر حال ما با این واقعیت روبرو هستیم که محدودیت های فراوانی وجود دارد که ممکن است برنامه های بهداشت روانی را با شکست روبرو کند . اجرای هر برنامه ای نیاز به قوانین توسعه یافته دارد . نیازی به بیان این مطلب نیست که امروزه برنامه های بهداشت حرفه ای به عنوان يك امر پذیرفته شده در محیط های کاری در نظر گرفته می شود.

اما به هر حال ما با محدودیت های فراوانی برای اجرای برنامه های بهداشت روانی روبرو هستیم. بهداشت شغلی معمولاً به عنوان بخش جداگانه ای در برنامه های آموزشی سطوح مختلف (عمومی و تخصصی) در نظر گرفته نمی شود. پزشکان جوان بندرت در این زمینه آموزش می بینند. با وجود افزایش تعداد روانپزشکانی که بطور خصوصی کار می کنند در محیط های کاری کمبود نیروی ماهر در زمینه بهداشت روانی همواره احساس می شود. در فیلیپین و سایر کشورهای در حال توسعه کارگرانی که در موسسات کوچک مشغول به کار هستند بندرت در برابر استرسهای روانی محیط کار حمایت می شوند. مدیریت استرس یا شناسایی و گزارش مشکلات روانی اجتماعی و سرویسهای بهداشتی همواره آخرین مساله ای است که در این موسسات به آن اهمیت داده می شود.

مشکل دیگر این واقعیت است که اغلب تاسیساتی که حدود ۵ کیلومتر تا نزدیکترین بیمارستان فاصله دارند فاقد سرویسهای درمانی و پزشکی می باشند و مدیریت اغلب درگیر مساله درمان است تا مساله پیشگیری. به علاوه اغلب بیماریهای روانی ناشی از تماس با مواد سمی در آزمایشات تشخیص پزشکی در نظر گرفته نمی شوند. مشکل روبه رشد دیگر افزایش تعداد کودکان و نوجوانان کارگر می باشد.

این افزایش به قدری سریع است که دولتمردان قادر به کنترل و توقف این پدیده نمی باشند. تحقیقات بیانگر این واقعیت است که در این حالت بهره کشی و استثمار بصورت پرداخت دستمزدهای بسیار پائین و ساعات کار طولانی و همچنین بیمه نکردن کارگران رخ می دهد. در